

## زندگی در جهان ترامپی

با نزدیک شدن به بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، رهبران اروپایی باید مراقب باشند که گرفتار دو دام خطرناک نشوند: وحشت و انکار. این کار آسان نخواهد بود، اما اهمیت موضوع آن چنان است که شکست در این مسیر غیرقابل پذیرش است.

دلایل برای وحشت روشن است. ترامپ شاید غیرقابل پیش‌بینی و دمدمی مزاج باشد، اما تردیدی وجود ندارد که اهداف و غرایز سیاسی او ارکان نظم امنیتی، اقتصادی و سیاسی اروپا را به لرزه درمی‌آورد. در حوزه امنیت، اروپایی‌ها به دلایل موجهی نگران‌اند که «طرح صلح» ترامپ برای اوکراین ممکن است به قیمت از دست رفتن تمامیت ارضی این کشور تمام شود؛ به‌گونه‌ای که اوکراین به کشوری غیرمسلح تبدیل شده و برای همیشه از ناتو دور بماند. در این میان، ناتو نیز شاید به حالت «اغما» فرورود، به این معنا که آمریکا مشارکت خود را به‌شدت کاهش داده و مسئولیت فرماندهی و منابع این ائتلاف را به اروپایی‌ها واگذار کند.

در خاورمیانه نیز، طرح صلح ترامپ موجب نگرانی اروپایی‌هاست، زیرا احتمالاً به معنی حمایت از برنامه‌های توسعه‌طلبانه ائتلاف افراطی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، خواهد بود. این برنامه ممکن است حتی شامل جابه‌جایی فلسطینیان از غزه و کرانه باختری و اسکان آن‌ها در مصر و اردن شود.

سناریوهای اقتصادی نیز به همین اندازه نگران‌کننده هستند. ترامپ صحبت از اعمال تعرفه واردات جهانی بین ۱۰ تا ۲۰ درصد و تعرفه ۶۰ درصدی بر کالاهای چینی کرده است. چنین سیاستی می‌تواند موجب جنگ تجاری جهانی شود، که در آن دولت‌ها به اقداماتی تلافی‌جویانه علیه آمریکا دست خواهند زد. اگر چین از بازار آمریکا حذف شود، اروپا به‌ویژه در معرض پیامدهای تولید مازاد چین قرار خواهد گرفت.

تمام این عوامل رهبران اروپایی را در آستانه وحشت قرار داده و وسوسه می‌شوند که به برقراری توافقات دوجانبه با واشنگتن بپردازند، همان‌گونه که بسیاری در دوره اول ترامپ نیز چنین کردند. اما این اقدام، به‌وضوح به قیمت وحدت اروپا خواهد بود.

امسا دام دوم نیز به همان اندازه خطرناک است. اگر رهبران اروپایی تهدیدات ترامپ را انکار کنند، از انجام اقدامات لازم برای تقویت مقاومت اروپا باز خواهند ماند.

برخی با خوش‌بینی کاذب به خود اطمینان می‌دهند که اگر نتوانستند دوره قبلی ترامپ را تحمل کنند، این بار هم می‌توانند. اما ترامپ ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ فردی تازه‌وارد بود که از انتخابش شگفت‌زده و در جست‌وجوی تأیید نهادهای رسمی بود. این بار او با انگیزه انتقام از نهادهایی که مانعش شدند، بازگشته و زمان کافی برای آماده‌سازی در اختیار داشته است. رهبران اروپایی باید تهدیدات او را جدی بگیرند و برای مواجهه با آن‌ها آماده شوند.

در مواجهه با سناریوهای احتمالی بازگشت ترامپ به کاخ سفید، مهم‌ترین وظیفه رهبران اروپا این است که از حدود ۲۰ روز باقی‌مانده تا ۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ بهره‌برداری کرده و بر سر منافع مشترک خود به توافق برسند و راه‌های دفاع از آن‌ها را بررسی کنند.

اولین نگرانی، اوکراین است. برای جلوگیری از توافقی که ممکن است اوکراین را خلع‌سلاح کند و از ناتو بیرون نگه نارد، اروپا باید در کوتاه‌مدت جریان مستمر ارسال مهمات و سامانه‌های دفاع هوایی را تضمین کند و در عین حال، به اوکراین تضمین‌های امنیتی بلندمدت و قابل اعتماد ارائه دهد. همچنین، باید به دنبال افزایش کارآمدی هزینه‌های دفاعی، تقویت نیروهای آماده جنگ در دسترس ناتو و اتحادیه اروپا، و در صورت لزوم تقویت بازدارندگی هسته‌ای خود باشد.

دومین چالش مهم، مسئله تجارت است. اگر ترامپ به وعده خود برای اعمال تعرفه‌های واردات جهانی عمل کند، جنگ تجاری میان اتحادیه اروپا و بزرگ‌ترین بازار صادراتی‌اش اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در دنیای کنونی که ژئوپلیتیک و ژئوآکونومی به‌طور فزاینده‌ای به هم پیوسته‌اند، اتحادیه باید آماده مقابله با اقدامات آمریکا باشد و همچنین باید به دنبال گسترش تجارت با دیگر نقاط جهان باشد.

پیروزی ترامپ همچنین روابط اتحادیه اروپا و بریتانیا را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از زمانی که حزب کارگر در بریتانیا روی کار آمده است، تماس‌ها بین دو سوی کانال مانش افزایش یافته است. اکنون اتحادیه اروپا باید تلاش‌های خود را برای ارائه پیشنهادات بزرگ و جسورانه به بریتانیا جهت ایجاد شراکت جدید تشدید کند.



فاطمه کلانتری

خبرنگار گروه دیپلماسی

در نوامبر ۲۰۲۰، زمانی که مشخص شد جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده در زمان امضای برجام توانسته تا دونالد ترامپ، مبتکر خروج آمریکا از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵، معمار سیاست فشار حداکثری و قاتل فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران را شکست دهد، این امید پدیدار شد که بار دیگر واشنگتن به برجام باز خواهد گشت و روند اجرای آن از سرگرفته می‌شود. برجام از زمان اجرایی شدن، تا زمانی که ترامپ تصمیم گرفت با آن امضای نامفهومش پای دستور خروج آمریکا از توافق، نه‌تنها تحریم‌های پیشین که تحریم‌های جدیدی را ذیل سیاستی که آن را «کمپین فشار حداکثری» نامید، علیه ایران اعمال کند، توانسته بود در بُعد اقتصادی فروش نفت ایران را از ۹۰۰ هزار بشکه به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه برساند و موجب تکمیل پروژه‌های عظیمی همچون پالایشگاه ستاره خلیج فارس و باز شدن مسیر خرید هواپیمای مسافربری جدید شود. این گشایش اقتصادی نیز دقیقاً همان چیزی بود که مردم، هر چند بسیار کوتاه، آن را در زندگی روزمره خود حس کرده بودند و همین موضوع نیز مذاکرات ایران و ۴+۱ و آمریکا را به موضوع اول رسانه‌ها و افکار عمومی کشور تبدیل کرده بود.

این در حالی است که سیاسی‌کاری در دولت دوازدهم، فرصت‌سوزی در دولت سیزدهم و سیاست متزلزل کاخ سفید موجب شد تا فرسایشی شدن روند مذاکرات برای احیای برجام از ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۹ تا نیمه سال ۱۴۰۱ خیلی زود امیدها را به یأس بدل کند و در نهایت نیز موضوع ناآرامی‌ها در ایران و اثبات ادعای فروش پنهان شاهد ایرانی به روسیه، پنجره مذاکراتی را که با تلاش مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در حد عبور بارقه‌ای نور، باز نگاه داشته شده بود، به بن‌بست بکشاند. محمدجواد ظریف در ماه‌های پایانی دولت دوازدهم در یک فایل صوتی گفته بود: «شرایطی که امروز است، ۶ ماه دیگر تکرار نمی‌شود؛ یک اشتباهی که دوستان ما در ایران می‌کنند این است که فکر می‌کنند اگر مانع شوند این دولت عمل کند، ۶ ماه دیگر همه چیز سر جایش است و آن‌ها می‌آیند و اختراع حل و فصل مشکل اقتصادی کشور را به خودشان اختصاص می‌دهند. دوستان ما توجه ندارند که ۶ ماه دیگر دنیا، یک دنیای دیگر است... آقای ترامپ روز ۵ و ۶ نوامبر ۲۰۱۶ با ترامپ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، دو تا آدم بودند، یعنی در آن سه ماه بین انتخاب تا قدرت گرفتن، عربستان سعودی از یک نیروی منفور نزد ترامپ تبدیل شد به گرداننده سیاست خارجی ترامپ. دنیا ثابت نیست و کنشگران در حال عمل‌اند.»

مذاکرات برای احیای برجام در دولت دوازدهم سه ماه به طول انجامید تا در نهایت سیدعباس عراقچی، مذاکره‌کننده ارشد وقت ایران در ۳۰ خردادماه ۱۴۰۰ اعلام کرد که «از هر زمان دیگری به توافق نزدیک‌تر هستیم». آنچه، اما در ماه‌های پس از اعلام این خبر و تأکید چندباره حسن روحانی مبنی بر اینکه شرایط برای امضای توافق احیای برجام مهیاست، رخ داد، روندی بود که جو مثبت و حمایتی غرب در خصوص ایران به‌عنوان کشور متعهد به توافق هسته‌ای و متضرر از خروج یک‌جانبه ترامپ از برجام را به فضایی تبدیل کرد که ایران به‌عنوان عامل توقف مذاکرات در اذهان عمومی معرفی شد.

حالا بار دیگر دونالد ترامپ برگشته است تا پرونده‌های ناتمام خود را از جمله «کمپین فشار حداکثری»، تا جایی که اهدافش را تأمین کند، ادامه دهد. رابرت اوبراین، مشاور سابق امنیت ملی رئیس‌جمهور منتخب آمریکا که به گفته رسانه آمریکایی آکسیوس، از گزینه‌های وزارت خارجه دولت دوم دونالد ترامپ نیز محسوب می‌شود، در خصوص بازگشت سیاست فشار حداکثری می‌نویسد: «دولت بایدن همچنین کاری برای مهار ایران که در چهار سال گذشته به طرز آشکاری خشونت‌بارتر شده است، انجام نداد. متحدان آمریکا در خاورمیانه و فراتر از آن، این اقدامات را دلیلی بر ضعف و غیرقابل اعتماد بودن آمریکا دانستند و سیاست‌های خارجی خود را مستقل‌تر از واشنگتن دنبال کردند. ایران نیز برای حمله به اسرائیل، نیروهای آمریکایی و شرکای آمریکا از طریق نیروهای نیابتی‌اش و به‌طور مستقیم احساس آزادی کرده است. در مقابل، دولت ترامپ کمپین فشار حداکثری را بر ایران انجام داد». وی می‌افزاید: «متأسفانه، در دوران دولت بایدن آمریکا نتوانسته تحریم‌های موجود علیه صادرات نفت ایران را اجرا کند و عکس این موضوع رخ داده است. در ماه‌های اخیر، صادرات نفت ایران به بالاترین حد خود در شش سال گذشته رسید که بیش از ۱/۵ میلیون بشکه نفت در روز بوده است. کاهش اجرای تحریم‌ها برای دولت ایران و نیروهای مسلح ایران سودآور بوده و سالانه ده‌ها میلیارد دلار درآمد داشته‌اند. بازگرداندن نیروی سرکوب ترامپ، توانایی ایران را برای تأمین مالی

# کمپین فشار حداکثری فصل دوم

## سیاست دولت دوم ترامپ علیه ایران چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟

هستند که در برابر تحریم‌های ایالات متحده آسیب‌پذیر نیستند، گفتن این امر البته آسان‌تر از انجام آن خواهد بود. وی در خصوص تلاش اسرائیل برای کشتن پای آمریکا به جنگ در منطقه به‌ویژه دریافت چراغ سبز برای یک حمله بزرگ به ایران گفت: «من شک دارم که ترامپ به بی‌بی برای حمله گسترده به ایران چراغ سبز نشان دهد؛ به‌خصوص اگر ایران آخرین موج حملات اسرائیل را تلافی نکند. هم ترامپ و هم معاون او، جی‌دی‌ونس، مخالفت خود را با گسترش جنگ در خاورمیانه ابراز کرده‌اند و ونس صراحتاً گفته است که آمریکا نباید وارد جنگ با ایران شود. هرگونه حمله بزرگ جدید اسرائیل به ایران ناگزیر ورود آمریکا را به دنبال خواهد داشت و ترامپ می‌خواهد نیروهای آمریکایی را از منطقه خارج کند، نه اینکه به آنها بیافزاید.» این تحلیلگر روابط ایران و آمریکا در پاسخ به این سوال که ابزارهای جدید ترامپ برای اعمال فشار بیشتر به ایران چه خواهد بود نیز گفت: «ابزارها علیه ایران در درجه اول اجرای تحریم‌های سخت‌گیرانه‌تر هستند که همانطور که در بالا بیان کردم اجرای آن پیچیده خواهد بود. ترامپ همچنین باید این واقعیت را بسنجد که کاهش صادرات نفت ایران می‌تواند باعث افزایش قیمت جهانی نفت و تأثیر توری در ایالات متحده شود.»

سینا عضدی، مدرس روابط بین‌الملل دانشگاه جورج واشنگتن نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن، در پاسخ به این سوال که تفاوت سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ و سال ۲۰۲۴ چیست و این موضوع چه تأثیری بر ویژگی‌های سیاست فشار حداکثری خواهد داشت؟ گفت: «من فکر می‌کنم یکی از مهمترین تفاوت‌هایی که دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، با دور نخست آن دارد، این است که در دولت جدید، افرادی مانند مایک پمپو و جان بولتون که آدم‌های بسیار ایدئولوژیکی بودند، حضور نخواهند داشت و معتقدم ترامپ این بار بیشتر افراد وفادار به خودش را وارد دولت خواهد کرد. برای مثال، جی‌دی‌ونس، معاونش که مانند خود ترامپ تا حدودی انزواگراست. حال اینکه در پست وزارت خارجه و وزارت

نیروهای نیابتی‌اش در خاورمیانه و فراتر از آن کاهش خواهد داد. مشکلات بایدن در خاورمیانه زمانی شروع شد که او سعی کرد دوباره وارد توافق هسته‌ای ایران در دوران اوباما شود... بازگشت به سیاست فشار حداکثری ترامپ شامل اجرای کامل تحریم‌های ایالات متحده بر بخش انرژی ایران می‌شود که این تحریم‌ها را نه‌تنها در مورد ایران، بلکه برای دولت‌ها و سازمان‌هایی که نفت و گاز ایران را خریداری می‌کنند، اعمال می‌کند. فشار حداکثری همچنین به معنای استقرار تجهیزات دریایی و هوایی بیشتر در خاورمیانه است و نه‌تنها برای تهران بلکه برای متحدان آمریکایی نیز روشن می‌کند که تمرکز ارتش آمریکا در منطقه بر بازدارندگی ایران است.» براین‌هوک، نماینده سابق آمریکا در امور ایران که تیم انتقالی در وزارت خارجه دولت ترامپ را رهبری خواهد کرد نیز در نخستین اظهارات خود در خصوص ایران گفت که رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا علاقه‌ای به تغییر رژیم در تهران ندارد اما می‌خواهد جمهوری اسلامی را منزوی و تضعیف کند.» دونالد ترامپ نیز بارها در جریان رقابت‌های انتخاباتی به ایران اشاره کرده است؛ برای مثال او در اظهاراتی در خصوص جنگ در خاورمیانه مدعی شده بود که «هریس عامل حمله هفتم اکتبر بود؛ من ایران را ورشکسته کردم و پولی برای ارسال به حزب‌الله نداشتم». او پس از انداختن رای خود به صندوق نیز گفت: «ما به ایران اجازه نخواهیم داد به سلاح هسته‌ای دست یابد. ما نمی‌خواهیم به ایران صدمه بزنیم، اما از دستیابی آن به سلاح هسته‌ای جلوگیری خواهیم کرد.»

باربارا اسلاوین، عضو برجسته اندیشکده استیمسون و مدرس امور بین‌الملل در دانشگاه جورج واشنگتن در پاسخ به این سوال که ویژگی‌های سیاست دولت جدید ترامپ در قبال ایران چه خواهد بود؟ به هم‌میهن گفت: «سیاست اولیه ترامپ، فشار حداکثری ۲ با تلاشی بزرگ برای سرکوب صادرات نفت ایران خواهد بود. با توجه به تجربه ایران در دور زند تحریم‌ها و این واقعیت که خریداران نفت ایران عمدتاً پالایشگاه‌های کوچک چینی



سینا عضدی:

**من فکر می‌کنم یکی از مهمترین تفاوت‌هایی که دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ، با دور نخست آن دارد، این است که در دولت جدید، افرادی مانند مایک پمپو و جان بولتون که آدم‌های بسیار ایدئولوژیکی بودند، حضور نخواهند داشت و معتقدم ترامپ این بار بیشتر افراد وفادار به خودش را وارد دولت خواهد کرد. برای مثال، جی‌دی‌ونس، معاونش که مانند خود ترامپ تا حدودی انزواگراست**